

تحلیل محتوای کیفی متون کتب فارسی مقطع ابتدایی در سال تحصیلی

۹۸-۹۹ بر اساس پرداختن به فضایل سه‌گانه اخلاق اسلامی

طیبه توسلی*

زینب مشیدی**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر «تحلیل محتوای کیفی متون کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ بر اساس پرداختن به فضایل سه‌گانه شجاعت، صداقت و خیرخواهی در اخلاق اسلامی است». روش پژوهش در شناخت فضایل سه‌گانه اخلاق اسلامی، تحلیل مفهومی، و در شناخت محتوای داستان‌های کتب فارسی تحلیل محتوای متن است، پس از انجام این دو مرحله، یافته‌ها در یک مطالعه تطبیقی-تفسیری با هم مقایسه شده‌اند. نتایج کلی حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که در تعالیم اسلامی درک فضائل اخلاقی در دو بعد نظری و کاربردی (فعل اخلاقی) مد نظر است، در حالیکه در متون کتاب فارسی مقطع ابتدایی اخلاق کاربردی، مخصوصاً اخلاق اجتماعی وجه غالب است. همچنین در تعالیم اخلاق اسلامی: شجاعت، به دو معنی دلیری و شجاعت اخلاقی به کار رفته است، ولی در داستان‌های کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی مفهوم شجاعت در دلیری، جلوه بارزتری نسبت به شجاعت اخلاقی دارد. صداقت در اخلاق اسلامی به معنی تطابق نیت و اعتقاد با عمل و در بالاترین مرحله اخلاص است، در متون کتاب‌های فارسی راستگو بودن و پس از آن درستکار بودن، معنی اصلی صداقت است. در تعالیم اخلاق اسلامی خیرخواهی به معنی طلب خیر برای خود و دیگران است، این مفهوم در متون کتب فارسی در مصادیق متعدد خیر رساندن به دیگران به خوبی ذکر شده است و خیرخواهی نسبت به خود در درجه دوم اهمیت قرار دارد. واژگان کلیدی: اخلاق اسلامی، شجاعت، صداقت، خیرخواهی، متون کتب فارسی مقطع ابتدایی

مقدمه

از دیدگاه عالمان اخلاق و صاحب‌نظران عرصه تعلیم و تربیت، فضایل اخلاقی ثمره تعلیم و تربیت آدمی است، بنابراین شناخت فضایل اخلاقی و متخلق شدن به اخلاق اسلامی، در شریعت مقدس اسلام، در نزد اندیشمندان تعلیم و تربیت و در نظام تربیتی کشور ما از اهمیت خاص برخوردار است. از طرف دیگر مقطع ابتدایی مهمترین دوران رشد و شکل‌گیری شخصیت آدمی و کسب فضایل اخلاقی است. در این تحقیق سعی بر آن است که از آموزه‌های اسلامی، شامل آیات شریفه قرآن کریم و تفسیر آنها، متون روایی و آرائی اندیشمندان مسلمان، در شناخت فضایل اخلاقی شجاعت، صداقت و خیرخواهی استفاده شود و سپس چگونگی کاربرد آنها را در متون کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی در سال تحصیلی ۹۸-۹۹، نشان دهد. علت انتخاب این فضائل سه‌گانه، نخست، اصلی بودن آنها در نزد علمای اخلاق اسلامی^۱ و پس از آن جلوه بارزشان در متون کتب فارسی مقطع ابتدایی است. علت انتخاب کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی نیز آن است که در تعیین اهداف دوره ابتدایی از طرف برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزش و پرورش کشور، آموزش اخلاق اسلامی بعد از آموزش دین و مبانی شریعت مقدس اسلام قرار داشته و بر آن تأکید شده است.^۲ همچنین در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰) در مبحث اهداف کلان، نخست تربیت انسان موحد و مؤمن مد نظر قرار گرفته و پس از آن بر تربیت انسان اخلاقی تأکید شده است، در بخش هدف‌های عملیاتی و راهکارها (بند ۱-۲) نیز تدوین برنامه‌های لازم جهت تحقق این اهداف ضروری شمرده شده است (ص ۴ و ۸). از طرف دیگر در برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش، اخلاق یکی از عناصر پنج‌گانه ساحت‌های تربیت بعد از تعقل، ایمان، علم و عمل ذکر شده است (ص ۱۵، بند ۵-۷). همچنین در سند برنامه درسی ملی (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱)، مبحث یادگیری زبان و ادبیات فارسی، آموزش زبان بستر مناسبی برای پرورش ارزش‌های اخلاقی به حساب آمده (ص ۲۴) و بر این نکته تأکید شده است که ادبیات فارسی این قابلیت را دارد که دانش‌آموزان را افرادی پای‌بند به ارزش‌های دینی، ملی و متخلق به آداب و اخلاق بی‌پروراند (ص ۲۵، بند ۳).

۱. فضائل چهارگانه اخلاقی در نزد حکمای یونان عبارتند از «عفت، شجاعت، حکمت و عدالت» که ارسطو بنیان‌گذار آن است و علمای اسلامی چون فارابی، ابن مسکویه، ابن سینا، غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی و نراقین به شرح کامل آن پرداخته و در آثار خود موارد دیگری چون صبر، شکر، صداقت، خیرخواهی و... نیز که به نحوی زیر مجموعه این فضایل هستند، گنجانده‌اند.

۲. مصوبه ششصد و چهلمین جلسه شورای آموزش عالی آموزش و پرورش ایران.

بنابراین با توجه به اهمیت آموزش اخلاق اسلامی در محتوای دروس مقطع ابتدایی، هدف اصلی پژوهش عبارت است از: «تحلیل محتوای کیفی متون کتب فارسی مقطع ابتدایی بر اساس پرداختن به فضایل سه‌گانه اخلاق اسلامی».

و پرسش‌های اصلی تحقیق عبارتند از:

۱. فضایل سه‌گانه اخلاقی شامل: شجاعت، صداقت و خیرخواهی در اخلاق اسلامی به چه معنا هستند؟

۲. فضایل سه‌گانه اخلاقی شامل: شجاعت، صداقت و خیرخواهی در داستان‌های کتب فارسی مقطع ابتدایی به چه معنا به‌کار رفته‌اند؟

۳. چه راهکارها و پیشنهادهایی می‌توان در تطابق بیشتر محتوای داستان‌های کتب فارسی مقطع ابتدایی، به معانی و مفاهیم فضائل اخلاق اسلامی ارائه داد؟

اصطلاح‌شناسی فضیلت اخلاقی

فضیلت: کلمه قرآنی «فضل» به معنی برتری است^۱ (اسراء آیه ۷۰، جائیه آیه ۱۶ ...). در فرهنگ لغات عربی نیز این کلمه معنی زیادی، فزونی یا برتری را دارد (آذرنوش، ۱۳۷۹، ص ۵۱۰).
اکثر علمای اسلامی از کندی و فارابی و ابن سینا گرفته تا نراقیین^۲ در آثار اخلاقی خود از فضایل و رذایل اخلاقی سخن گفته‌اند و در موارد متعددی حد اعتدال آنها را نیز مشخص کرده‌اند. در یک برداشت کلی، ابن سینا حد وسط خلق و رفتار را فضیلت، و دو طرف افراط و تفریط را رذیلت دانسته است (ابن سینا، ۱۴۰۵، ص ۴۵۵). نظریه اعتدال به معنی حد وسط رفتار و دوری از افراط و تفریط، نخست در نظرات ارسطو آمده است، وی در «اخلاق نیکوماخوس»^۳ این فضیلت را سبب زندگی سعادت‌مندانه می‌داند. و تصریح می‌دارد که فضیلت از نوع عواطف نیست بلکه ملکه یا حالت ثابت و راسخ درونی است (ارسطو، ۱۳۶۴، زاگزبسکی،^۴ ۱۳۹۲، ص ۳۱؛ خزاعی، ۱۳۸۴، ص ۶۵).

اخلاق: اخلاق جمع «خُلُق» است. خُلُق به معنی ملکه نفسانی است که افعال نیکو یا غیر نیکو به آسانی از آدمی سر می‌زند (علامه طباطبایی، ۱۳۶۴، ص ۵۲). انسان دارای ظاهری است که «بشریت» نام دارد و باطنی که «آدمیت» خوانده می‌شود. بشریت دارای صورتی به نام

۱. ... وَفَضْلَانَهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء، ۷۰)؛ ... وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (جائیه، ۱۶).

۲. منظور از نراقیین، ملا مهدی نراقی و فرزندشان ملا احمد نراقی از علمای اخلاق در دوره قاجاریه است.

3. Nicomachean Ethics.

4. Zagzebski.

«خَلْق» و آدمیت نیز دارای صورتی به نام «خُلُق» است (غیاثی کرمانی، ۱۳۸۸، ص ۱۳). بنابراین خُلُق وجه اصلی و وجه برتر آدمی است.

تربیت اخلاقی: لازم به ذکر است که در اندیشه‌های کهن معنای اصلی واژه «تربیت» صبغه اخلاقی دارد، گویی از تربیت، عمدتاً اصلاح اخلاق و رفتار مد نظر بوده است، چنان‌که امام محمد غزالی می‌گوید: «مربی باید اخلاق بد را از آدمی بستاند و به در اندازد و اخلاق نیکو به جای آن نهد و معنای تربیت این است.» (غزالی، ۱۳۶۲، ص ۸۷). البته در تعاریف جدید هم گرچه معانی و تعاریف متعددی از تربیت بیان می‌شود، ولی همچنان بعد اخلاقی مد نظر است: «تربیت کشاندن آدمی به سوی ارزش‌های والای انسانی است، به طوری که آن ارزش‌ها را بفهمد، بپذیرد، دوست بدارد و به کار آورد.» (نقیب‌زاده، ۱۳۷۴، ص ۱۹). یعنی تربیت با ارزش‌های انسانی که اخلاق نیکو بخشی از آن است، ارتباط وثیق دارد. در برداشت‌های جدید تربیت اخلاقی یک اصطلاح کاملاً پذیرفته شده است و تعاریف گوناگونی دارد. در یک برداشت، تربیت اخلاقی دارای قلمروهای عقلی، عاطفی و عملی است، قلمرو عقلی شامل درک فعل خوب از بد است و قلمرو عاطفی کنترل و پرورش صحیح عواطف است و در بعد عملی، رفتار فرد باید ناشی از درک و احساس اخلاقی باشد (باقری، ۱۳۷۷).

پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تحلیل‌های انجام شده در متون کتب درسی دوره ابتدایی اساساً به تربیت اخلاقی مربوط است، اما در این پژوهش‌ها از فضایل اخلاقی نیز سخن گفته شده است که با هدف اصلی این مقاله هماهنگی دارد. پیشینه‌هایی که با این نوشتار بیشترین نزدیکی را دارند، شامل این موارد است:

عقیلی (۱۴۰۰)، در پژوهش خود تحت عنوان «تحلیلی بر وضعیت ارزش‌های اخلاقی در کتب درسی دوره ابتدایی: روش آنتروپی شانون» به این نتایج دست یافته است که شش ارزش اخلاقی شجاعت، قدر شناسی، ایثار، مهرورزی، وطن دوستی و صبر، موارد پر تکرار و قابل توجه در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی است.

پژوهش عابدینی (۱۳۹۹) با عنوان «بررسی جایگاه تربیت اخلاقی در کتاب‌ها درسی دوره ابتدایی؛ مطالعه‌ای از نوع تحلیل محتوا» که به روش تحلیل محتوای کمی (آنتروپی شانون) انجام شده است، نشان می‌دهد که در متون کتب درسی دوره ابتدایی، بیشترین میزان توجه و ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه «ارتباط با خداوند» و کمترین میزان اهمیت مربوط به مؤلفه «ارتباط با خود» است.

نتایج پژوهش غلام‌پور و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «تحلیل محتوای کتب هدیه‌های آسمان دوره دوم ابتدایی بر اساس مؤلفه‌های تربیت اخلاقی» که با روش تحلیل محتوا و تهیه چک لیست تحلیل محتوای محقق ساخته، صورت گرفته است، حاکی از آن است که: آموزش همکاری و راهکارهای حفظ دوستی، دارای بیشترین فراوانی و آموزش به‌کارگیری معیارهای عقلانی و دینی در ارزیابی و توانایی تصمیم‌گیری در موقعیت‌های اخلاقی دارای کمترین فراوانی است. بنابراین توجه متوازن به مؤلفه‌های اخلاقی امری ضروری است.

عبدالرحمانیان و دارابی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای که با عنوان «تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پایه پنجم ابتدایی از منظر توجه مؤلفه‌های تربیت اخلاقی» انجام داده‌اند به این نتایج دست‌یافته‌اند که مؤلفه‌های مربوط به «تفکر و تعقل» با ۵۶ مورد دارای بیشترین فراوانی هستند، مؤلفه‌های «نظم و صداقت» دارای کمترین فراوانی و «انضباط» بدون فراوانی است. بنابراین کتاب هدیه‌های آسمان پنجم ابتدایی مؤلفه‌های تربیت اخلاقی را به یک نسبت پوشش نداده است.

حسینی و وجدانی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل محتوای کیفی کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی از منظر تربیت اخلاقی» به این نتیجه کلی دست‌یافته‌اند که برنامه‌ریزان درسی مطالعات اجتماعی در جهت نظم‌بخشی و انتظام در الگوی تربیت اخلاقی با رویکرد بین برنامه درسی یا تلفیقی تلاش کرده‌اند، اما این تلاش در راستای ارائه یک الگوی به سامان، کاملاً موفق نبوده است، لذا بازبینی در ارائه یک الگوی کارآمد ضروری است.

کوشی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تربیت اخلاقی با رویکرد تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی و ارائه مدل مفهومی» انجام داده‌اند. این تحقیق دارای تحلیل‌هایی بر دو بعد «باور» و «رفتار» است که با روش تحلیل کمی و کیفی در محتوای دروس انجام شده است. نتایج حاکی از آن است که متغیر «باور» از بین همه سازه‌های متصل به خود، یعنی «احترام به ارزش‌ها» و «هنجارهای اجتماعی» را بیشتر و «گفتگو» را کمتر از همه تبیین کرده است. متغیر «رفتار» از میان همه سازه‌های متصل به خود، «تعلق به هویت جمعی و حفظ آن» را بیشتر و «مسئولیت اجتماعی» را کمتر از همه تبیین کرده است.

دهقانی و بلندهمتان (۱۳۹۶) «تربیت اخلاقی مبتنی بر ادبیات داستانی: تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی» با هدف شناسایی چگونگی آموزش مفاهیم اخلاق انجام داده‌اند. روش تحقیق، روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار است و نتایج نشانگر آن هستند که: کتب فارسی در تمام پایه‌ها، بیشترین تعداد ادبیات داستانی و بیشترین مفاهیم اخلاقی را دارند. از میان پانزده مفاهیم اخلاقی، تنها رفتار نیک، نوع دوستی و تلاش از لحاظ کمی و کیفی دارای انسجام و

فرگشت هستند، اما سایر مفاهیم از نظر تعداد و تکرار و نوع چینش در پایه‌های مختلف کارایی لازم ندارند.

حسنی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی رویکرد تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی دوره ابتدایی» که با روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی انجام داده است، به این نتیجه دست یافته است که ویژگی اساسی برنامه درسی تربیت اخلاقی، «فرا برنامه درسی تربیتی اخلاقی آشفته» است و خواهان تهیه و تصویب «فرا برنامه درسی تربیت اخلاقی» است.

بررسی کلی از پیشینه تحقیق حاکی از آن است که اکثر پژوهش‌های انجام شده در زمینه تربیت اخلاقی چه در بعد فضایل اخلاقی و چه برنامه درسی در گستره وسیعی انجام شده است. بعضاً کلیه دروس دوره ابتدایی را مورد تحلیل محتوا قرار داده‌اند و یا مقوله‌های متعددی از فضایل اخلاقی مد نظر داشته‌اند، لذا این تحقیق در صدد آن است که فقط سه فضیلت اخلاقی را در کتب فارسی دوره ابتدایی مورد بررسی و کنکاش متنی قرار دهد تا دقت لازم را به کار برده باشد و نحوه ارائه این سه فضیلت اصلی اخلاقی را در متون نظم و نثر کتب فارسی مقطع ابتدایی نشان دهد و راهکارها و پیشنهادهای حاصل از پژوهش را در تطابق بیشتر این متون با اخلاق اسلامی بازگو کند.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر از سه نوع روش تحقیق استفاده می‌شود:

الف) روش تحلیل مفهومی: از این روش جهت شناخت مفهوم و معانی فضایل سه‌گانه شجاعت، صداقت و خیرخواهی در آموزه‌های اسلامی استفاده شده است و تعریف‌ها و بیان نظرات اندیشمندان مسلمان در باره این فضایل پایه اصلی این مباحث را تشکیل می‌دهند. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که تحلیل مفاهیم با پرسش‌های فلسفی، پیوند نزدیک دارند. برای مثال سقراط اگر از معنی «عدالت» می‌پرسید، به دنبال دلایلی بود که زندگی عادلانه را موجه سازد. اگر ما از تحلیل مفهومی استفاده می‌کنیم هدف آن است که جهان را قابل فهم سازیم. این توضیحات بیان‌گر توجیه ما از تحلیل مفهومی است (هرست و پیترز، ۱۹۷۰، ص ۸-۹) در این تحقیق نیز هدف اصلی؛ شناخت این فضایل، کاربردشان در متون درسی و قابل فهم کردن واقعیت‌هایی است که ما پیوسته با آن سروکار داریم.

ب) تحلیل محتوای کیفی: از این روش جهت بررسی متون کتب فارسی مقطع ابتدایی برای پی بردن به کاربرد فضایل سه‌گانه اخلاقی استفاده شده است. تفاوت تحلیل محتوای کیفی با تحلیل محتوای کمی در آن است که تحلیل محتوای کمی توصیفی بوده و به شیوه کمی و عینی به شمارش

فروانی مفاهیم و نسبت بین آنها می‌پردازد، در حالیکه در تحلیل محتوای کیفی شمارش و کمیت مد نظر نیست، بلکه محقق در تمام مراحل تحقیق درگیر تفسیر و استنتاج معانی است. تحلیل محتوای کیفی برای تحلیل داده‌های متنی کاربرد فراوان دارد و در باره چگونگی درگیر شدن در تفسیر معانی اساسی و جنبه‌های ارتباطی این معانی در متن صحبت می‌کند. در این روش پژوهشگر می‌کوشد تا دریابد آیا تک واژه‌ها، عبارت‌ها، جمله‌ها و بندها قادرند نماینده پیام‌هایی باشند (قاندی، ۱۳۹۵، ص ۷۰). دیوید پیرسون^۱ (۲۰۱۴) نیز معتقد است که رویکرد کیفی اساساً برای قضاوت است و بشر هرگاه که به کیفیت اندیشیده است در صدد ارزیابی و داوری بوده است. پیرسون در تحلیل متون درسی دوره ابتدایی سه مرحله را در نظر می‌گیرد: ۱. مشخص کردن متن مورد نظر، ۲. معین کردن عنوان‌ها و درس‌ها و ۳. پرداختن به چارچوب یا نقشه کلی متن در تحلیل پیام‌ها و مفاهیم. در نظر وی مرحله اول و دوم برای ورود به روش تحلیل کیفی است، اما مرحله سوم درگیر شدن به استنتاج‌های مفهومی است (پیرسون، ۲۰۱۴، ص ۱۶۱-۱۶۳). در این تحقیق این سه مرحله کاملاً مد نظر است، نخست انتخاب متون درسی از شش پایه دوره ابتدایی و مرحله دوم نمونه‌گیری هدفمند از متن درس‌ها و عنوان‌ها و سومین مرحله پرداختن به کاربردهای مفهومی و معنایی فضایل سه‌گانه اخلاقی در متن دروس از طریق فهم و استنتاج.

ج) مقایسه یافته‌های تحقیق: این مرحله پس از مشخص شدن مفاهیم و معانی فضایل سه‌گانه اخلاقی در آموزه‌های اسلامی و همچنین متون داستان‌های کتب فارسی مقطع ابتدایی انجام می‌شود، بدین منظور که یافته‌ها با هم تطبیق داده شده و مقایسه می‌شوند. در این مرحله که بخش اصلی پژوهش است، محقق در صدد آن است که بداند آنچه در کتب درسی دیده می‌شود تا چه اندازه با آموزه‌های اسلامی مطابقت دارد، کاستی‌ها در کجاست و برای رفع نواقص چه پیشنهادهایی می‌توان ارائه داد.

جامعه و نمونه تحقیق

کلیه متون نظم و نثر در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی که در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ تألیف و منتشر شده‌اند، جامعه تحقیق را تشکیل می‌دهند، بدین معنا که کلیه متون توسط محقق مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند و مواردی که مضامین سه‌گانه فضائل اخلاقی را در بر داشتند انتخاب شدند. بنابراین ۷۹ متن از ۶ کتاب فارسی، نمونه اصلی تحقیق هستند که به طور هدفمند

1. Pearson. D.

انتخاب شده‌اند، چون در پژوهش‌های کیفی انتخاب نمونه اساساً هدفمند است (فلیک، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳). نمونه انتخابی همراه با کدبندی آنها شامل موارد زیر است:

پایه اول ابتدایی: ۱۳ متن با نام‌های: خدای مهربان (ص ۴) (کد ۱/۱)؛ ایران (ص ۴۴) (کد ۲/۱)؛ روز برفی (ص ۶۰) (کد ۳/۱)؛ همکاری (ص ۶۴) (کد ۴/۱)؛ مهتاب (ص ۷۰) (کد ۵/۱)؛ ژاله و منیژه (ص ۷۴) (کد ۶/۱)؛ کتاب خوانی (ص ۷۵) (کد ۷/۱)؛ علی و معصومه (ص ۸۸) (کد ۸/۱)؛ رضا (ص ۹۶) (کد ۹/۱)؛ خاطرات انقلاب (ص ۹۷) (کد ۱۰/۱)؛ جشن بهمن (ص ۱۰۰) (کد ۱۱/۱)؛ لاک‌پشت و مرغابی‌ها (ص ۱۰۱) (کد ۱۲/۱)؛ پیامبر مهربان (ص ۱۰۵) (کد ۱۳/۱).

پایه دوم ابتدایی: ۱۴ متن با نام‌های: مسجد محله ما (ص ۱۰) (کد ۱/۲)؛ چغندر پر برکت (ص ۱۳) (کد ۲/۲)؛ ستاره (ص ۲۲) (کد ۳/۲)؛ تمیز باش عزیز باش (ص ۲۸) (کد ۴/۲)؛ چوپان درستکار (ص ۳۲) (کد ۵/۲)؛ دوستان ما (ص ۴۲) (کد ۶/۲)؛ کی بود کی بود (ص ۶۰) (کد ۷/۲)؛ من هنرمندم (ص ۶۸) (کد ۸/۲)؛ یک کلاغ چهل کلاغ (ص ۷۶) (کد ۹/۲)؛ ایران زیبا (ص ۷۹) (کد ۱۰/۲)؛ نوروز (ص ۹۲) (کد ۱۱/۲)؛ شیر و موش (ص ۱۰۶) (کد ۱۲/۲)؛ بلبل و مورچه (ص ۱۱۱) (کد ۱۳/۲)؛ روباه و خروس (ص ۱۱۲) (کد ۱۴/۲).

پایه سوم ابتدایی: ۱۴ متن با نام‌های: پدر بزرگ (ص ۱۹) (کد ۱/۳)؛ آسمان آبی، طبیعت پاک (ص ۳۰) (کد ۲/۳)؛ همبازی (ص ۳۵) (کد ۳/۳)؛ فداکاران (ص ۵۰) (کد ۴/۳)؛ مثل باران (ص ۵۱) (کد ۵/۳)؛ کار نیک (ص ۵۷) (کد ۶/۳)؛ پری کوچولو (ص ۶۰) (کد ۷/۳)؛ بهانه (ص ۶۴) (کد ۸/۳)؛ پیراهن بهشتی (ص ۶۴) (کد ۹/۳)؛ ایران عزیز (ص ۹۴) (کد ۱۰/۳)؛ وطن (ص ۱۰۱) (کد ۱۱/۳)؛ ایران آباد (ص ۱۰۲) (کد ۱۲/۳)؛ اگر جنگل نباشد (ص ۱۱۴) (کد ۱۳/۳)؛ نیایش (ص ۱۲۸) (کد ۱۴/۳).

پایه چهارم ابتدایی: ۱۴ داستان با نام‌های: آرش کمانگیر (ص ۵۴) (کد ۱/۴)؛ مهمان شهر ما (ص ۶۲) (کد ۲/۴)؛ انتظار (ص ۶۷) (کد ۳/۴)؛ باغچه اطفال (ص ۸۰) (کد ۴/۴)؛ همای رحمت (ص ۸۷) (کد ۵/۴)؛ فرمانده دل‌ها (ص ۸۸) (کد ۶/۴)؛ فرشته یک کودک (ص ۹۳) (کد ۷/۴)؛ اتفاق ساده (ص ۹۴) (کد ۸/۴)؛ لطف حق (ص ۱۰۴) (کد ۹/۴)؛ امید (ص ۱۰۷) (کد ۱۰/۴)؛ شیر و موش (ص ۱۱۲) (کد ۱۱/۴)؛ هفت مروارید سرخ (ص ۱۱۶) (کد ۱۲/۴)؛ مدرسه هوشمند (ص ۱۳۰) (کد ۱۳/۴)؛ خرچنگ و مرغ ماهیخوار (ص ۱۳۵) (کد ۱۴/۴).

پایه پنجم ابتدایی: ۱۰ متن با نام‌های: رازی و ساخت بیمارستان (ص ۲۶) (کد ۱/۵)؛ گلدان خالی (ص ۴۲) (کد ۲/۵)؛ سرود ملی (ص ۴۸) (کد ۳/۵)؛ دفاع از میهن (ص ۵۶) (کد ۴/۵)؛ آوازی برای وطن (ص ۶۳) (کد ۵/۵)؛ نام‌آوران دیروز، امروز، فردا (ص ۷۰) (کد ۶/۵)؛ نقش

خردمندان (ص ۸۳) (کد ۷/۵)؛ شجاعت اخلاقی (ص ۱۰۶) (کد ۸/۵)؛ کاجستان (ص ۱۱۱) (کد ۹/۵)؛ جوان و راهزن (ص ۱۳۸) (کد ۱۰/۵).

پایه ششم ابتدایی: ۱۴ متن با نام‌های: محبت (ص ۱۳) (کد ۱/۶)؛ پنجره‌های شناخت (ص ۱۴) (کد ۲/۶)؛ هفت خان رستم (ص ۳۷) (کد ۳/۶)؛ دوستان همدل (ص ۴۳) (کد ۴/۶)؛ همه از خاک پاک ایرانیم (ص ۵۶) (کد ۵/۶)؛ دریاقلی (ص ۵۸) (کد ۶/۶)؛ تندگویان (ص ۶۲) (کد ۷/۶)؛ شهدا خورشیدند (ص ۷۸) (کد ۸/۶)؛ بوعلی و بهمنیار (ص ۸۰) (کد ۹/۶)؛ دوستی و مشاوره (ص ۸۴) (کد ۱۰/۶)؛ شیرخدا (ص ۸۸) (کد ۱۱/۶)؛ پیاده و سوار (ص ۹۵) (کد ۱۲/۶)؛ به گیتی به از راستی پیشه نیست (ص ۱۰۴) (کد ۱۳/۶)؛ ستاره روشن (ص ۱۰۶) (کد ۱۴/۶).

یافته‌های تحقیق

الف) تحلیل فضایل سه‌گانه در منابع معتبر اخلاق اسلامی

شجاعت

شجاعت واژه‌ای عربی و بیانگر صفتی است از صفات نیکوی اخلاقی که حد وسط ترس و بی‌باکی است و طبق نظر فلاسفه یونانی و علمای اخلاق اسلامی خود یکی از اصول چهارگانه اخلاقی، در کنار حکمت، عفت و عدالت است. همچنین این صفت یک صفت متعالی و دارای اوصافی والا و منشأ آثار و صفات مثبت فراوان است که عبارت است از اعتدال در قوه غضبیه به این معنی که غضب با وجود قوّت فرمانبردار عقل باشد (فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸). طرف افراط آن همان بی‌باکی بی‌جهت است که در اصطلاح اخلاق اسلامی «تهوّر» نام دارد و عبارت است از اقدام بی‌باکانه در اموری که نابودکننده جسم و روان انسان است و از نظر شرع و عقل باید از آنها پرهیز کرد. طرف تقریط آن همان ترس مفرط است که در اصطلاح اخلاق اسلامی «جُبِن» نام دارد و آن ترس و اجتناب از کارهایی است که نباید به آنها اقدام کرد (نراقی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۰-۱۱۲). جبن آن است که کسی بی‌مورد و بی‌دلیل از چیزی احتراز کند که در نتیجه بی‌ثباتی در کارها، زمینه‌ساز ستمگری ستمگران، ذلت، زندگی تلخ و بالاخره وقفه در امور مهم را به وجود می‌آورد، بنابراین حد وسط تهوّر و جبن، یعنی شجاعت، به معنی اطاعت قوه غضب از عقل است (غیاثی کرمانی، ۱۳۸۸، ص ۲۸).

با این توضیح مفهومی در باب شجاعت می‌توان حداقل دو زیر مجموعه معنایی از این واژه

داشت:

معنای اول، دلیری

منظور از دلیری، دلاوری در میدان کارزار و نبرد با دشمن است. این برداشت معنایی در بین عامه و در زبان متعارف اخلاقی و تربیتی بسیار مرسوم است. لازم به ذکر است که نه واژه شجاعت و نه مشتقات آن در قرآن نیامده است. اما آیات جالب توجهی در قرآن کریم دال بر شجاعت در میدان نبرد ذکر شده و از آن با تحسین یاد شده است: مانند نبردی که پس از حضرت موسی (علیه السلام) در قوم بنی اسرائیل رخ داد. در این نبرد طالوت فرمانده جنگ در برابر جالوت بود و او را شکست داد. خداوند حکیم طالوت را به برتری بر دیگران در توانایی علمی و جسمانی ستوده است^۱ (البقره، ۲۴۷). همچنین خداوند حکیم از مسلمانان صدر اسلام که در میادین نبرد در برابر کافران می جنگیدند با صفاتی چون سخت گیر بر کافران^۲ (فتح، ۲۹) و سد آهنین نیز یاد کرده است (صف، ۴). امام علی (علیه السلام) نیز این صفت متعالی را به طور مکرر ستوده‌اند و بر آن مهر تأیید زده‌اند، چنان‌که در وصف دلاوری خویش می‌فرماید: «بدانید که خداوند مرا به جنگ با سرکشان تجاوزکار، پیمان شکنان و ستمکاران فرمان داد... من در نوجوانی بزرگان عرب را به خاک افکندم و شجاعان دو قبیله «ریعه» و «مضر» را در هم کوبیدم...» (خطبه ۱۹۲).

معنای دوم، شجاعت اخلاقی

شجاعت اخلاقی اصطلاحی جدید است که به معنی دلاوری در میدان جنگ نیست، بلکه به معنی مقاومت در برابر هواهای نفسانی و وسوسه شیطانی در زندگی فردی و اجتماعی است. در کلام معصومین (علیهم السلام): در متون روایی آموزه‌های ارزشمندی می‌بینیم که دلالت بر این معنا دارد و این تفاوت را به خوبی روشن می‌کند. یکی از بهترین و رساترین آنها کلام رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) است که بعد از پیروزی مسلمانان در یکی از میدان‌های نبرد، می‌فرماید: «مرحبا بر قومی که جهاد اصغر را پشت سر نهادند و جهاد اکبر در پیش دارند، گفته شد: ای رسول خدا جهاد اکبر چیست؟ فرمود: پیکار با نفس» (علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۲۱). همچنین رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «شجاع‌ترین مردم کسی است که بر هوای نفسش غلبه کند» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۱). همچنین امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «شجاعت مرد به میزان ننگی است که احساس می‌کند [و از آن دوری می‌کند] (حکمت ۴۷). ننگ فقط پذیرش ستم ستمگران نیست، بلکه گناهکاری به سبب پیروی از هوای نفس نیز عیب و ننگ است.

۱... إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَا عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ... .

۲... أَشَدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ... .

دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری: یکی از بهترین استنادها بر مفهوم شجاعت اخلاقی دیدگاه استاد مطهری است (۱۳۷۶). ایشان شجاعت را سه قسم می‌داند: شجاعت جنگی، شجاعت اخلاقی و شجاعت عقلی. شجاعت جنگی این است که در مبارزه‌های خونین و خطرناک که خطر کشته شدن، زندانی شدن، غارت شدن و شکست خوردن در کار است شخص نترسد و نهراسد. شجاعت اخلاقی نیروی قوت و اراده در برابر تحریکات داخلی، چون امیال حیوانی، میل به تنبلی، تجاوز به حقوق مالی و ناموسی دیگران، قائم به قسط بودن و بر ضد منافع خود شهادت به حق دادن است و شجاعت عقلی مبارزه با تقلید بی اساس و معتقدات رایج بی اصل است.

در کتب اخلاقی: خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری، شجاعت را در چند معنا به کار برده است: نخست معنای شجاعت که حد وسط جبن است و تهور (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۸۳)، دوم دلاوری در میدان جنگ مانند حفظ مرزها و ایستادن در برابر دشمنان (همان، ص ۸۵) و در موارد متعدد به تربیت نفس و حفظ آن از امیال شیطانی اشاره کرده است. مانند: «هرگاه نفس سبعی به اعتدال بود و انقیاد نماید نفس عاقله را و تهییج بی وقت و تجاوز از حد ننماید، فضیلت حلم حاصل شود و فضیلت شجاعت به تبعیت حاصل آید (همان، ص ۷۱) و اگر به مثل به مصائب و آلام ایوب علیه السلام مأخوذ و ممتحن شود، از حد سعادت مایل نشود و افعال اشقیاء ارتکاب نکند (همان، ص ۵۸)، همچنین در امور هولناک مضطرب نشود تا هم فعلی که کند جمیل شود و هم صبری که نماید محمود باشد» (همان، ص ۷۴). بنابراین از نظر خواجه عدم متابعت از نفس سبعی، متابعت از عقل، تحمل سختی‌ها و مشکلات زندگی، حفظ سعادت‌مندی و دوری از اضطراب نشان از شجاعت دارد و بهترین نام برای این موارد، شجاعت اخلاقی است. ملا احمد راقی در معراج السعاده می‌گوید: شجاعت منشأ وقار، حلم، علو همت و صبر است. شجاعت فرمانبری قوه غضبیه از قوه عقل است تا آدمی خود را در مهالکی که عقل حکم به احتراز از آنها می‌کند نیندازد (راقی، ۱۳۷۷). مسلم که مهلکه آدمی فقط پذیرش ستم دشمنان نیست، بلکه مهالک متعددی در غلبه هوای نفس بر آدمی وجود دارد که باید از آنها احتراز کرد.

در کتب لغت و دانشنامه‌ها: مراجعه به سه اثر معتبر، در زبان فارسی: لغت‌نامه دهخدا، در زبان عربی: لسان‌العرب و در زبان انگلیسی: دانش‌نامه آکسفورد نشان می‌دهد که ذیل مفهوم شجاعت، اصطلاح «شجاعت اخلاقی» نیامده است و این دال بر جدید بودن این اصطلاح است. در لغت‌نامه دهخدا، شجاعت این‌گونه معنا شده است: «دلیر شدن در کارزار. صفتی از صفات اربعه جمیله که حد وسط بین تهور و جبن است» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۲۴۹۲). بنابراین دهخدا در معنی شجاعت، تحت تأثیر علمای اخلاق است. در لسان‌العرب شجاعت به معنی: «قوت

قلب در کارزار» است (ابن‌منظور، ۱۹۹۲، ص ۳۶) و معنی غیر از این یافت نشد. لغت‌نامه آکسفورد، شجاعت این‌گونه معنا کرده است: فضیلتی ضروری برای رسیدن به زندگی خوب. آمادگی بر دنبال کردن مسیری ارزشمند، علی‌رغم خطراتی چون صدمه دیدن، مرگ و حتی از دست دادن موقعیت‌های زندگی (هاندریخ، ۲۰۰۵، ص ۱۸۲). به نظر می‌رسد که این تعریف مفهوم شجاعت اخلاقی در خود دارد، به ویژه رسیدن به زندگی خوب.

در آثار جدید انگلیسی: در دو دهه گذشته آثار متعددی به زبان انگلیسی با عنوان «شجاعت اخلاقی»^۱ و دقیقاً با همین نام منتشر شده است. در بین کتب معتبر می‌توان به آثار مکنزی^۲ (۲۰۰۷)، کومر^۳ (۲۰۰۸)، کیدر^۴ (۲۰۰۵) و فرانکلین^۵ (۲۰۲۰) اشاره کرد، مقالات نیز در این باره فراوانند. برداشت کلی این نویسندگان از شجاعت اخلاقی، نوعی شجاعت در زندگی عادی، شغلی و سازمانی است: بدان معنا که فرد شجاع بنا بر باورهای خویش که آن را درست و بر حق می‌داند، عمل می‌کند، حتی اگر عواقب ناخوشایندی داشته باشد و مثلاً فرد شغل خود را از دست بدهد (کومر، ۲۰۰۸).

در باب شجاعت اخلاقی در حرفه پزشکی و پرستاری نیز آثار قابل توجهی به چاپ رسیده است^۶ و پژوهشگران کشورمان نیز در این باره و در باب شجاعت اخلاقی آثار قابل توجهی دارند^۷ (ر.ک: مهدوی‌سرشت، ۱۳۹۳؛ نم‌دی، ۱۳۹۸ و ...). این موارد دال بر جدید بودن آن در آثار اندیشمندان کشورمان و همچنین اندیشمندان خارجی است.

صداقت

اساساً انسانی که عملش مطابق با اعتقادش باشد و یا کاری که می‌کند با نیت، اراده و تصمیمش مطابق باشد، صادق نامیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۴، ص ۴۰۲). البته صداقت دو وجه دارد: راست‌گویی و راست‌کرداری، یعنی اینکه هم گفتار و هم اعمال انسان بر سیل صداقت باشد. در

1. Moral courage.
2. Mackenzie. C (2007) On Moral Courage.
3. Comer. D (2008) Moral Courage in Organizations.
4. Kidder. R (2005) Moral Courage.
5. Franklin. R. M (2020), Moral Leadership: Integrity, Courage, Imagination.
6. Hargan. F.J, Miller. A.J & others (?), Moral Courage in the Practice of Medicine.
۷. بین اخلاق حرفه‌ای در پزشکی و شجاعت اخلاقی در حرفه پزشکی تفاوت است. برای مثال پزشکی که با بیمار رفتار مهربانانه دارد از اخلاق حرفه‌ای برخوردار است، ولی پزشکی که قوانین بیمارستان را به ضرر بیمار می‌داند و آن را نمی‌پذیرد و علی‌رغم عواقب ناخوشایند مطابق با آن عمل نمی‌کند دارای شجاعت اخلاقی در حرفه پزشکی است. بنابراین شجاعت اخلاقی زیر مجموعه اخلاق حرفه‌ای است.

مقام صدیقان همین بس که مقامشان بعد از پیامبران است. خداوند حکیم در قرآن می‌فرماید: «هرکس که اطاعت کند خدا و رسول را با کسانی همراه است که خدا به آنان نعمت بخشیده است، یعنی پیامبران، صدیقان، گواهان و نیکوکاران، آنان نیکورفیقانی هستند» (نساء، ۷۰). صدیق که صیغه مبالغه صدق است، شامل صدق در قول و عمل می‌شود. صدق در عمل آن است که کردار مطابق با گفتار باشد، زیرا گفتار و کردار نشانه اعتقاد است و کسیکه در قول خود راستگوست، از ضمیر صادق خود خبر می‌دهد. بنابراین صدیق کسی است که اصلاً دروغ در او نیست، نه در ضمیر، نه در اعتقاد، نه در گفتار و نه در کردار. وی حقایق اشیا را می‌بیند، سخن حق می‌گوید و کار حق می‌کند (علامه طباطبایی، ج ۸، ص ۲۶۱).

صدق و راستی اشرف صفات انسانی است. صدق را می‌توان به چند قسم تقسیم کرد: صدق در گفتار (راستگویی)، صدق در نیت و اراده (اخلاص)، صدق در عزم (استواری)، وفای به عهد (پای‌بندی)، صدق در کردار (درستکاری)، صدق در مقامات دینی مثل صبر، شکر، توکل و امثال اینها (نراقی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۳؛ فایضی آشتیانی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۹).

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الصَّدُقُ رَأْسُ الدِّينِ» نسبت راستی به دین مثل سر به بدن است (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۲۱۸). امام صادق علیه السلام در توصیف صداقت و راستی می‌فرماید: راستی نوری است که در عالم معنا می‌درخشد. کسی که حقیقتاً متصف به صدق است، به مقتضای حقیقتِ صدقی که در نفس او وجود دارد، کذب در او راه ندارد چنان‌که حضرت آدم علیه السلام ابلیس را در اظهار دروغینش، چون قسم خورد، تصدیق نمود، و اظهار و سخن او را باور کرد. زیرا در نفس آدم اثری از دروغ و تقلب وجود نداشت (جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۳۴).

از مهم‌ترین نشانه‌های ایمان صداقت و راستی در نیت، اخلاق و کردار است. صفت پسندیده و زیبای راستگویی سبب اعتماد بین آدمیان و آرامش زندگی جمعی می‌شود و خلاف آن یعنی دروغ، نفاق، فریب، خلف وعده و ریا جامعه را با آشفتگی و پریشانی روبرو می‌سازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «کودکان را دوست بدارید و بر آنها ترحم کنید. هرگاه به آنها وعده‌ای دادید به وعده خود وفا کنید» (طبرسی، ۱۴۰۸، ص ۲۱۹). بنابراین صداقت و آثار آن سبب استواری زندگی فردی و جمعی انسان در این جهان است و خداوند مهربان آن را سبب رستگاری انسان در جهان آخرت نیز دانسته است: «روزی که صدق صادقان به حالشان سود دهد» (مائده، ۱۱۹).

خیرخواهی

خیرخواهی به معنی رحمت یا مهربانی و محبت است. اگر رحمت از جانب خداوند نسبت به بندگانش باشد، انعام و افضال است و اگر از جانب انسان‌ها نسبت به یکدیگر باشد رقت (عطوفت) و نیکی کردن و خیر رساندن است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۵۴). در کتاب معراج السعاده خیر خواستن برای دیگران از افضل طاعات و عبادات بشمار آمده است که ثواب آن از حد و اندازه بیرون است (نراقی، ۱۳۷۷). خواجه نصیرالدین طوسی در مقایسه بین دو فضیلت عدالت و محبت می‌گوید: «احتیاج به عدالت که کامل‌ترین فضیلت است، به سبب فقدان محبت است، چه اگر محبت میان اشخاص حاصل بود به انصاف و عدالت احتیاجی نبود» (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۹). ناصح نیز کسی است که به کردار و گفتار نیک راهنمایی کند و این سبب خیر برای پذیرنده نصیحت است. امام علی علیه السلام فرمود: برادرت را خالصانه نصیحت و خیرخواهی کن، خواه اندرز و خیرخواهی تو در نظر او نیک باشد یا بد (نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۹۳۳).

در کلام قرآن خیرخواهی به معنی «احسان» نیز به کار رفته است (رعد، ۲۲؛ فصلت، ۳۴). احسان فراتر از «عدل» است. عدل حول محور حق می‌چرخد، اما احسان آن است که به کسی بیش از حقتش بدهند و در کتب حدیث آمده است که «انسان بنده احسان است» (باقری، ۱۳۸۵، ص ۱۵۸).

در تحلیل مطالب ذکر شده می‌توان گفت که دو کلمه «نصیحت» و «احسان» دارای بار مفهومی و دلالت‌های معنایی مبنی بر توجه مهربانانه نسبت به دیگران است، این توجه شامل همه مصادیق خیرخواهی مانند اصلاح اخلاق، اعتقاد و گفتار و کردار دیگران می‌شود و مظاهر احسان چون گذشت، ایثار و بخشش مال را دربر می‌گیرد. تمامی این موارد باعث ایجاد انس در میان انسان‌هاست: «انس از خواص انسان است و کمال هر چیزی در ظهور خاصیت نوع اوست، پس کمال انسان در اظهار این خاصیت است» (دوانی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۰). نکته دیگر اینکه انسان مؤمن باید هم خیرخواه خود باشد و هم دیگران. برای مثال در انفاق یا بخشش مال به دیگران که از مصادیق بارز احسان است، خداوند حکیم انسان‌ها را به رعایت اعتدال در بخشش دعوت می‌کند (اسراء، ۲۹) به طوری که بخشنده مال هم به دیگران خیر برساند و هم خود آسیب نبیند. کسب کمالات معنوی در درجه اول طلب خیر برای خود است، و از آنجا که هر انسانی مسئولیت گفتار و کردار خود را در دنیا و آخرت به عهده دارد، بنابراین خیرخواه خود بودن در درجه اول اهمیت است و این موضوعی است که در تعالیم به کودکان باید از توجه کافی برخوردار باشد.

ب) تحلیل محتوای متن کتب فارسی

پایه اول ابتدایی: کد ۱/۱: حق خداوندی/احترام به والدین؛ کد ۲/۱: میهن دوستی؛ کد ۳/۱: علاقه به مدرسه؛ کد ۴/۱: همکاری بین افراد خانواده؛ کد ۵/۱: احترام به پروردگار؛ کد ۶/۱: علاقه به گیاهان؛ کد ۷/۱: مهر بین خواهر و برادر؛ کد ۸/۱: صداقت در رفتار؛ کد ۹/۱: خیرخواهی نسبت به دوست؛ کد ۱۰/۱: احترام به رهبر؛ کد ۱۱/۱: احترام به انقلاب؛ کد ۱۲/۱: دوستی با دیگران؛ کد ۱۳/۱: عشق به پیامبر ﷺ.

پایه دوم ابتدایی: کد ۱/۲: همکاری؛ کد ۲/۲: میهمانی دادن؛ کد ۳/۲: مهر به والدین؛ کد ۴/۲: کمک به فرد نادان؛ کد ۴/۲ و ۵/۲: درستکاری؛ کد ۶/۲: دوستی به هم‌نوع؛ کد ۷/۲: پذیرش عواقب خطای شخصی و شهادت به حق دادن؛ کد ۸/۲: راستگویی / دوستی با مردم دنیا؛ کد ۹/۲: پرهیز از دروغ‌گویی؛ کد ۱۰/۲: میهن دوستی؛ کد ۱۱/۲: مهرورزی به خانواده و فامیل؛ کد ۱۲/۲: بازگشت نیکی به فرد نیکوکار؛ کد ۱۳/۲: کمک به فرد در مانده؛ کد ۱۴/۲: شناخت فریب.

پایه سوم ابتدایی: کد ۱/۳: نیکی به والدین؛ کد ۲/۳: دوستی با طبیعت؛ کد ۳/۳: دوستی با همسال؛ کد ۴/۳: دلیری / دفاع از وطن / دفاع از هم‌نوع؛ کد ۵/۳: مهربانی به همه؛ کد ۶/۳: خدمت به هم‌نوع؛ کد ۷/۳: پرهیز از دروغ‌گویی / پرهیز از آزار دیگران؛ کد ۸/۳: امانتداری؛ کد ۹/۳: بحشش بهترین دارایی؛ کد ۱۰/۳: وطن دوستی؛ کد ۱۱/۳: وطن دوستی؛ کد ۱۳/۳: دوستی با طبیعت؛ کد ۱۴/۳: عبودیت پروردگار.

پایه چهارم ابتدایی: کد ۱/۴: وطن پرستی / عشق به وطن / از جان گذشتگی؛ کد ۲/۴: احترام به رهبر؛ کد ۳/۴: عشق ورزی و محبت به افراد خانواده؛ کد ۴/۴: مهرورزی به کودکان / مهرورزی به کودکان معلول / خدمت به مردم وطن؛ کد ۵/۴: عشق به امام / محبت به سائل / رعایت حق اسیر؛ کد ۶/۴: شجاعت در میدان نبرد / دفاع از وطن / مهرورزی به کودکان؛ کد ۷/۴: مهرمادری؛ کد ۸/۴: دلیری / عشق به وطن / محبت بین اعضای خانواده؛ کد ۹/۴: مهر خداوندی / توکل بر خداوند؛ کد ۱۰/۴: مهر خداوندی / امید به لطف الهی؛ کد ۱۱/۴: پاداش بخشودگی دیگران؛ کد ۱۲/۴: مهر معلم به شاگرد و راهنمایی او؛ کد ۱۳/۴: مهرورزی و کمک به همکلاسی؛ کد ۱۴/۴: نبرد با دشمن.

پایه پنجم ابتدایی: کد ۱/۵: خیرخواهی نسبت به مردم جامعه؛ کد ۲/۵: راستگویی / پرهیز از دروغ‌گویی؛ کد ۳/۵: شجاعت / دفاع از کشور؛ کد ۴/۵: شجاعت / دفاع از میهن؛ کد ۵/۵: وطن پرستی / گذشتن از خوشی‌ها برای زندگی در وطن؛ کد ۶/۵: شجاعت / وطن پرستی / شهادت؛ کد ۷/۵: مقاومت نرم در برابر دشمن؛ کد ۸/۵: مفهوم شجاعت / حد وسط ترس و تهور / مهارت نه گفتن در برابر آنچه نمی‌دانیم / دوری از ترس‌های نابجا؛ کد ۹/۵: دستگیری از همسایه در زمان درماندگی؛ کد ۱۰/۵: راستگویی و صداقت / هدایت دیگران.

پایه ششم ابتدایی: کد ۱/۶: نادیده گرفتن خطای دوست / ماندگاری احسان / فراموشی خطای دوست؛ کد ۲/۶: اخلاق نیکو / رفتار پسندیده / نیکوکاری / محبت / احسان؛ کد ۳/۶: دلیری / گذشتن از موانع سخت برای رسیدن به هدف؛ کد ۴/۶: شناخت دوست خوب / همراهی با دوست خوب / هدایت نادان؛ کد ۵/۶: دوستی با هم وطن / دفاع از وطن / شهادت؛ کد ۶/۶: دلیری / دفاع از وطن / شهادت؛ کد ۷/۶: دفاع از وطن / ایمان راسخ / شهادت؛ کد ۸/۶: ارزش شهادت؛ کد ۹/۶: ایمان و فاداری به پیامبر ﷺ؛ کد ۱۰/۶: ارزش دوستی / نیاز به دوست؛ کد ۱۱/۶: خیرخواهی / نوازش یتیم؛ کد ۱۲/۶: زیرکی / فریب دشمن نخوردن؛ کد ۱۳/۶: پرهیز از دروغ‌گویی / پرهیز از کردار بد؛ کد ۱۴/۶: نیکی کردن / دوری از دست‌اندازی به مال دیگران.

جدول ۱: مقایسه و تحلیل فضایل سه گانه اخلاقی در متون اخلاق اسلامی و کتب فارسی

مقوله	متون اخلاق اسلامی	متون کتب فارسی ابتدایی
شجاعت	<p>مفهوم کلی: اعتدال در قوه غضبیه / فرمانبرداری قوه غضبیه از عقل / حد وسط بین ترس و تهور.</p> <p>شجاعت اخلاقی: پذیرش مسئولیت / پذیرش عواقب مسئولیت / شهادت به حق دادن (گواهی دادن بر اساس حق در محکمه، هرچند علیه خود و دیگران باشد) / دوری از ننگ با حفظ حیا، عفت و خویشترداری / بزرگ‌منشی در اخلاق و رفتار / اجتناب از کج روی در زندگی فردی و جمعی با عدم پیروی از هوای نفس.</p> <p>دلیری: دلوری در کارزار / سخت‌گیری بر کافران / سد آهنین در برابر دشمن / مجاهدت / شهادت.</p>	<p>مفهوم کلی: حد وسط ترس و تهور.</p> <p>شجاعت اخلاقی: پذیرش عواقب خطای شخصی و شهادت به حق دادن / مهارت نه گفتن در برابر آنچه نمی‌دانیم / دوری از ترس‌های نابجا / گذشتن از موانع سخت برای رسیدن به هدف.</p> <p>دلیری: دلوری در میدان نبرد / دفاع از وطن / وطن دوستی / مجاهدت / شهادت / مقاومت نرم در برابر دشمن / ایمان راسخ در جهاد.</p>
صداقت	<p>تطابق نیت / اراده و اعتقاد با گفتار و کردار / صدق در ضمیر / صدق در کلام / صدق در عمل / حق‌گویی / حق‌خواهی / اخلاص / پرهیز از کذب و خود فریبی.</p> <p>آثار صدق: اعتماد اجتماعی / رستگاری اخروی.</p>	<p>راستگویی / درستکاری / پرهیز از دروغ‌گویی / شناخت فریب / امانتداری / صدق در رفتار / دوری از دست‌اندازی به مال دیگران.</p> <p>آثار صدق: اعتماد اجتماعی.</p>
خیرخواهی	<p>محبت قلبی به دیگران / نیکویی به دیگران / راهنمایی کردن به گفتار نیک / راهنمایی کردن به کردار نیک / نصیحت خالصانه / دلسوزی / توجه مهربانانه / انفاق مال / بخشودگی / ایثار / امر به معروف / نهی از منکر</p>	<p>دوستی / مهرورزی نسبت به والدین / همکاری بین اعضای خانواده / مهرورزی به اعضای خانواده / احترام به پیامبر ﷺ / احترام به رهبری / احترام به وطن / ارزش‌گذاری به انقلاب / علاقه به گیاهان / کمک به فرد نادان / کمک به فرد درمانده / دوستی با مردم / پرهیز از آزار دیگران / بخشش بهترین دارایی / دوستی با طبیعت /</p>

کمک به فرد معلول / احترام به امام / محبت به سائل / رعایت حق اسیر / مهر معلم به دانش‌آموز / کمک به همکلاسی / نادیده گرفتن خطای دوست / ماندگاری احسان / نیاز به دوست / نوازش یتیم.		
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--	--

مقایسه و نتیجه‌گیری

پس از بررسی کلی و تحلیل محتوای متون کتب فارسی مقطع ابتدایی مشخص شد که اخلاق عملی در این متون، مخصوصاً آنچه مورد فهم و درک دانش‌آموزان این مقطع است، وجه بارز آموزه‌های اخلاقی است و از اخلاق نظری که مستلزم استدلال‌های عقلانی است کمتر صحبت شده است، البته این امری منطقی و درست است. اما آنچه توجه به آن حائز اهمیت است این است که به برخی فضایل اخلاقی به طور مکرر پرداخته شده است و برخی از نظر دور مانده است:

خیرخواهی: جدول شماره ۱ و تحلیل محتوای متن همراه با کدبندی آنها نشان می‌دهند که فضیلت خیرخواهی، چون دوستی، همکاری، ایثار، نصیحت، محبت، پندآموزی، رعایت حق احترام، انفاق، هدایت دیگران و کمک به افراد مشکل‌دار، در تمام متون کتب فارسی این مقطع چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ تعدد مضامین و مصادیق حجم اصلی مطالب را تشکیل می‌دهند و چه بسا که در پایه‌های مختلف تکرار می‌شوند، این دستاورد با نتایج تحقیق عقیلی (۱۴۰۰) در فضیلت مهرورزی، غلام‌پور (۱۳۹۸) در فضیلت همکاری و کوشی در احترام به ارزش‌های اجتماعی و حفظ هویت جمعی که یا دارای ضریب اهمیت بالا و یا دارای بیشترین فراوانی هستند، همسو است. پس در متون کتب فارسی مقطع ابتدایی به خیرخواهی نسبت به سایر فضائل توجه بیشتری شده است و می‌توان گفت که در این باره کاستی وجود ندارد.

شجاعت: پس از فضیلت خیرخواهی از لحاظ کثرت کاربرد در مضامین و معانی، فضیلت شجاعت قرار دارد این دستاورد با پژوهش عقیلی (۱۴۰۰) مبنی بر اینکه مفهوم شجاعت در متون کتب درسی دوره ابتدایی دارای بالاترین ضریب اهمیت است، همخوانی دارد.

البته این پژوهش نشان داد که در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی مفهوم بارز شجاعت در دلیری و عدم ترس حتی به قیمت از دست دادن جان است که با مضامین فداکاری و وطن‌پرستی همراه شده است و نهایت به مفهوم مقدس شهادت می‌رسد که البته این موارد با تعالیم اسلامی هماهنگ است و آموزش آن ضروری است. اما در باب شجاعت اخلاقی آن‌گونه که در متون اخلاقی و تحلیل‌های مفهومی شرح داده شد، مواردی چون دوری از امیال نفسانی، وسوسه شیطانی، تحمل سختی‌ها، دوری از اضطراب و رفتارهای نامعقول و همچنین ترس‌های نابجا و موارد دیگر که با

مفهوم شجاعت اخلاقی همسانی دارد، کمتر در کتب درسی دوره ابتدایی دیده می‌شود. (در کتاب فارسی پنجم، ص ۱۰۶، درس شجاعت به شجاعت اخلاقی و مخصوصاً دوری از ترس‌های نابجا پرداخته شده است، ولی پرداختن به چنین فضیلتی که در تمامی عمر لازم زندگی است توجه بیشتری لازم دارد). در برنامه درسی ملی (۱۳۹۱، بند ۵-۷، ص ۱۸)، از پانزده فضیلت اخلاقی نام برده شده است که برخی از آنها طبق تحلیل مفهومی شجاعت (از دیدگاه خواجه نصیر، نراقی و استاد مطهری، به ویژه دوری از امیال نفسانی) نشان از شجاعت اخلاقی دارد، این موارد شامل خویشتن‌داری، حیا، رضا و در سند تحول بنیادین (۱۳۹۰، بند ۱-۲، ص ۸) شامل حفظ کرامت نفس، حیا و عفت می‌شود. داستان‌های کتب فارسی در این موارد هم چشمگیر نیستند.

لازم به ذکر است که برخی روان‌شناسان کودکان را به طور فطری دارای شجاعت اخلاقی می‌دانند. مانند اینکه: هنگام بازی معمولاً مطابق قوانین بازی عمل می‌کنند، قبل از قضاوت کردن با گشاده‌رویی به تمام جنبه‌های مسئله گوش می‌دهند و از کسانی که با آنها با بی‌انصافی رفتار شده است، جانبداری می‌کنند (بوربا،^۱ ۱۳۹۰، ص ۲۷۵). بنابراین تقویت زیبایی‌های فطری آنان در متون درسی امری ضروری است.

صداقت: استخراج مفهوم و تحلیل معنایی صداقت از متون معتبر اسلامی نشان داد که صداقت دارای دو معنای اصلی است: صدق در گفتار و صدق در کردار. یک نگاه اولیه به جدول نشان داده می‌شود که در متون کتب فارسی عمدتاً بر صدق در گفتار و بر مفهوم و معنای متضاد با آن یعنی دروغ‌گویی و عواقب سوء آن تأکید بسیار شده است. البته این امری نیکوست و بدان علت است که راست‌گویی از همه موارد دیگر صداقت جلوه بارزتری دارد و کودکان مقطع ابتدایی با آن آشنایی بیشتری دارند. در اکثر متون این داستان‌ها به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود که راست‌گویی نتیجه خوبی دارد و سرانجام دروغ‌گویی بی‌اعتمادی دیگران نسبت به فرد دروغ‌گو است. البته از درست‌کرداری و مصادیق آن چون امانت‌داری و عدم تجاوز به مال دیگران و موارد دیگر نیز در محتوای دروس دیده می‌شود.

لازم است بیان شود که در سند برنامه درسی ملی (۱۳۹۱، بند ۵-۷، ص ۱۸)، فضیلت صدق در آغاز سایر فضایل اخلاقی ذکر شده است و این نشانه اهمیت آن است. مسلم است که در یک سند بالادستی مفاهیم به صورت کلی بیان می‌شوند و این به عهده مؤلفان محتوای دروس است که مصادیق صدق را بجویند و از فضاییلی چون صدق با پروردگار (مانند خلوص عمل) و یا صدق در رفتار فردی، (مانند خود را فریب ندادن) و یا تطابق نیت، اعتقاد و عمل، که از معانی اصلی و با

1. Borba.

اهمیت صدق است (نراقی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۳) و اساساً با باطن و درون صادق سروکار دارد و کمتر وجهه بارز بیرونی دارد، غافل نمانند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «صاحب نیت صادق صاحب قلب سلیم است، زیرا سلامت قلب از محذورات و وساوس شیطانی، با خالص کردن نیت برای خداوند در همه امور میسر است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰). لازم است در کتب فارسی مقطع ابتدایی به قلب سلیم و نیت‌های خالصانه که منشأ و مبدأ هر گفتار اخلاقی یا کردار اخلاقی مبتنی بر صداقت است، اهتمام ویژه شود.

پیشنهادها

با توجه به حدیث مشهور نبوی صلی الله علیه و آله که علم در کودکی مانند نقش بر سنگ است، برای غنی‌تر شدن محتوای متون کتب فارسی مقطع ابتدایی در آموزش اخلاق اسلامی موارد زیر پیشنهاد می‌شوند:

۱. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰، بند ۱-۲، ص ۱۸) مبحث برنامه‌های عملیاتی در ترویج فضایل اخلاقی، نخست از کرامت نفس نام برده است. کرامت نفس در نیت و کردار درست آدمی در سه بعد، الهی، فردی و اجتماعی تحقق می‌یابد. در حالیکه در داستان‌های کتب فارسی مقطع ابتدایی، توجه به فضایل سه‌گانه اخلاقی اساساً در زندگی جمعی و در ارتباط با دیگران مطرح شده است و مصادیق و مضامین این ملکات اخلاقی در زندگی فردی و خلوت انسان با خداوند و خود که از مهم‌ترین مظاهر خودسازی است، در درجه دوم اهمیت قرار دارد. این دستاورد با پژوهش عابدینی (۱۳۹۹) که مؤلفه ارتباط با خود در محتوای کتب درسی دوره ابتدایی، دارای کمترین ضریب اهمیت است هم‌خوانی دارد. همچنین با پژوهش غلام‌پور (۱۳۹۸) و عبدالرحمانیان (۱۳۹۷)، در توانایی تصمیم‌گیری و نظم و انضباط که اموری فردی هستند و در پژوهش‌شان کمترین درجه فراوانی را نشان داده است، همسویی دارد. امام سجاد علیه السلام در رساله حقوقی، حق نفس را دومین حق بعد از حق خداوند متعال به حساب آورده‌اند (امام سجاد، ۱۳۹۳، ص ۴۷). بنابراین پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ریزان و مؤلفان کتب درسی این مهم را در هر دو کفه ترازو قرار دهند و تعادل را حفظ نموده و یکی را فدای دیگری نسازند. توجه یکسان به اخلاق فردی و اجتماعی یکی از اهداف مهم در آموزش دوره ابتدایی بوده و شایان توجه بیشتری است. این پیشنهاد با نتایج تحقیق دهقانی و بلندهمتان (۱۳۹۶) مبنی بر عدم چینش و فرگشت لازم در مفاهیم اخلاقی کتب درسی دوره ابتدایی نیز همسو است.

۲. در تدوین متون کتب فارسی مقطع ابتدایی به علم اخلاق، فلسفه اخلاق و اخلاق فضیلت توجه بیشتری شود. علم اخلاق از انواع صفات خوب و بد صحبت می‌کند. فلسفه اخلاق به

تیین اصول و مبانی و مبادی علم اخلاق می‌پردازد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۸-۲۵). اخلاق فضیلت، نظریه‌ای هنجاری است و از اخلاق سودگروی و اخلاق وظیفه‌گروی متمایز است (خزایی، ۱۳۹۰). بنابراین بسیار پسندیده است که مؤلفان کتب فارسی مقطع ابتدایی نظم مطالب را در ارائه فضایل اخلاقی بر این اساس در دستور کار قرار دهند. این پیشنهاد با پیشنهاد حسنی (۱۳۹۵) در تدوین «فرا برنامه درسی اخلاقی» و اصلاح آشفتگی‌ها همخوانی دارد، همچنین با پیشنهاد حسنی و وجدانی (۱۳۹۶) در ارائه الگوی سامان‌یافته برای تربیت اخلاقی در درس مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی.

۳. در محتوای داستان‌های کتب فارسی مقطع ابتدایی به فعل اخلاقی توجه فراوان شده است که البته این امری نیکو و قابل تقدیر است. پیشنهاد می‌شود که در مباحث تکمیلی داستان‌های اخلاقی و در تکلیف درسی از دانش‌آموزان درخواست شود که روزانه، یا هفته‌ای یکبار و یا حداقل ماهیانه یکبار یک فعل اخلاقی در زندگی فردی و یا در ارتباط با دیگران انجام دهند و به صورت داستان نوشته و در کلاس درس بازگو کنند. نمونه این فعل‌های اخلاقی می‌تواند رعایت نظم در زندگی، انجام یک فرمان الهی، انجام یک تکلیف شرعی، اطاعت از پدر، مادر و معلم، کمک به نزدیکان، همکلاسی و یا افراد غریبه باشد.

۴. از آنجا که آموزش ابتدایی مهم‌ترین مقطع آموزش در زندگی آدمی برای کسب فضایل اخلاقی است، همچنین کتاب‌های فارسی سایر دروس این دوره را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، بنابر این هماهنگی بین متون کتب درسی و گنجاندن سه حقوق اصلی: حق خداوند، حق نفس و حق انسان‌ها به طور متوازن در کم و کیف، نکته‌ای مهم در آموزش فضائل اخلاقی است.

منابع

- * قرآن کریم.
- * نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۱. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹)، فرهنگ معاصر فارسی-عربی، تهران، نشر نی.
 ۲. ارسطو (۱۳۶۴)، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه: رضا مشایخی، تهران: انتشارات دهخدا.
 ۳. ابن سینا، حسین (۱۴۰۵)، الشفاء، ج ۷، قم: مکتب آیه الله المرعشی النجفی.
 ۴. ابن منظور، الام العلامه (۱۹۹۲)، لسان العرب، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
 ۵. باقری، خسرو (۱۳۸۵)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
 ۶. باقری، خسرو (۱۳۷۷)، مبانی شیوه‌های تربیت اخلاقی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
 ۷. بوربا، میکله (۱۳۹۰)، پرورش هوش اخلاقی، ترجمه: فیروزه کاووسی، تهران: انتشارات رشد.
 ۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، چاپ اول، به تصحیح مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات.
 ۹. جعفر بن محمد الصادق علیه السلام (۱۴۰۰ ق)، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، بیروت: انتشارات اعلمی.
 ۱۰. حسنی، محمد (۱۳۹۵)، «بررسی رویکرد تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی دوره ابتدایی»، تربیت اسلامی، سال ۱۱، ش ۲۲، ص ۱-۲۸.
 ۱۱. حسنی و وجدانی (۱۳۹۶)، «تحلیل محتوای کیفی کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی از منظر تربیت اخلاقی»، تربیت اسلامی، س ۱۲، ش ۲۵، ص ۲۹-۵۴.
 ۱۲. خزاعی، زهرا (۱۳۹۰)، اخلاق فضیلت، تهران: انتشارات حکمت.
 ۱۳. دهقانی، شهلا و کیوان بلندهمتان (۱۳۹۶)، «تربیت اخلاقی مبتنی بر ادبیات دبستانی: تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی»، نظریه و عمل در برنامه درسی، سال ۵، ش ۱۰، ص ۵-۳۲.
 ۱۴. دوانی، جلال‌الدین (۱۳۹۱)، اخلاق جلالی، تصحیح عبدالله مسعودی، تهران: انتشارات اطلاعات.
 ۱۵. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، ج ۸، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 ۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ قرآن کریم، بیروت: دارالقلم.

۱۷. زاگزیسکی، لیندا و لوئیس پویمن (۱۳۹۲)، «نظریه فضیلت»، ترجمه: داود قرجالو، مجله کتاب ماه دین، ش ۱۹۶، ص ۳۰-۴۴.
۱۸. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۸)، فارسی پایه اول تا ششم، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
۱۹. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰)، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
۲۰. شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۱)، سند برنامه درسی ملی.
۲۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۶)، امالی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: نشر کتابچی.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۷ و ۳۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. طبرسی، رضی الدین ابی نصر (۱۴۰۸)، مکارم الاخلاق، بیروت: دارالحوراء.
۲۵. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۸۷)، اخلاق ناصری، مصحح: مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی.
۲۶. عابدینی بلترک، میمنت (۱۳۹۹)، «بررسی جایگاه تربیت در کتاب‌های دوره ابتدایی، مطالعه‌ای از نوع تحلیل محتوا»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۴۸، ص ۱۷۱-۱۸۷.
۲۷. عبدالرحیمیان، شهرزاد و شکوفه دارابی (۱۳۹۷)، «تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پایه پنجم ابتدایی از منظر توجه به مؤلفه‌های تربیت اخلاقی»، مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت، سال اول، ش ۲، ص ۷۷-۸۸.
۲۸. عقیلی، سیدرمضان (۱۴۰۰)، «تحلیلی بر وضعیت ارزش‌های اخلاقی در کتب درسی دوره ابتدایی: روش آنتروپسی شانون»، فصلنامه علمی تربیت اسلامی، س ۱۶، ش ۳۵، ص ۱۴۳-۱۶۴.
۲۹. غزالی، امام محمد (۱۳۶۲)، مکاتیب فارسی غزالی، تصحیح عباس اقبال، انتشارات امیرکبیر.
۳۰. غلام‌پور، میثم؛ عباس قاسمیان، مجیب الرحمن رضایی و امید پورمند (۱۳۹۸)، «تحلیل محتوای کتب هدیه‌های آسمان دوره دوم ابتدایی بر اساس مؤلفه‌های تربیت اخلاقی»، معرفت اخلاقی، ش ۲۵، ص ۸۳-۹۳.

۳۱. غیائی کرمانی، محمدرضا (۱۳۸۸)، فضیلت‌های اخلاقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۲. فایضی، علی و محسن آشتیانی (۱۳۷۵)، مبانی تربیت و اخلاق اسلامی، قم: انتشارات روحانی.
۳۳. فلیک، اووه (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۳۴. فیض کاشانی، محمد (۱۳۸۷)، ترجمه الحقایق، ج ۱، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
۳۵. قائدی، محمدرضا و علیرضا گلشنی (۱۳۹۵)، «روش تحلیل محتوا از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی»، مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ش ۲۳، ص ۵۷-۸۲.
۳۶. کوشی، زهرا؛ نعمت‌الله موسی‌پور، علی محبی و محمد آرمنند (۱۳۹۷)، «شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تربیت اخلاقی با رویکرد اجتماعی در دوره ابتدایی و ارائه مدل مفهومی»، مسائل کاربردی در تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۲۱، ص ۱۱۷-۱۴۲.
۳۷. مجلسی (علامه)، محمدتقی (۱۳۸۶)، بحارالانوار، ج ۸، مترجم: محمدباقر کمراهی، تهران: انتشارات اسلامی.
۳۸. مسکویه، احمد (۱۳۷۳)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاخلاق، قم: نشر بیدار.
۳۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲)، فلسفه اخلاق، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، مجموعه آثار، ج ۸ (یادداشت‌های موضوعی)، تهران: انتشارات صدرا.
۴۱. مهدوی‌سرشت، رقیه؛ فروزان آتش‌زاده شوریده، فریبا برهانی و احمدرضا باغستانی (۱۳۹۴)، «بررسی همبستگی شجاعت اخلاقی پرستاران شاغل در بیمارستان‌های منتخب دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۹۳»، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره هشتم، ش ۳.
۴۲. نراقی، ملا احمد (۱۳۷۷)، معراج السعاده، ج ۵، تهران: انتشارات هجرت.
۴۳. نمدی، فریده؛ اعظم شهباز و حمیدرضا خلخالی (۱۳۹۸)، «شجاعت اخلاقی پرستاران در مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه»، مجله پرستاری مامایی ارومیه، دوره ۱۷، ش ۷، ص ۵۷۴-۵۸۱.
۴۴. نقیب‌زاده، میر عبدالحسین (۱۳۷۴)، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران: انتشارات طهوری.
45. Comer. D & Gina Vega (2008), *Moral Courage in Organizations, Doing the Right Thing at Work*, Routledge.
46. Franklin. R. M (2020), *Moral Leadership: Integrity, Courage, Imagination*, U.S.A, ORBIS.
47. Hirst, P. H. & Peters, R.S. (1970), *The Logic of Education*. London: Routledge.

48. Honderich, T (2005), The Oxford Companion to Philosophy, New York, oxford University Press.
49. Horgan. F.J, Iller, A.J & others (?), Moral Courage in the Practice of Medicine, Justin Press.
50. Kidder. R (2005), Moral Courage. New York: Harper Collins.
51. Mackenzie. C (2007), On Moral Courage. New York: University of Michigan, Collins.
52. Pearson, P. H. & Hiebert, E. H. (2014), The State of The Field: Qualitative Analyses if The Text Complexity, University of Chicago Press.

